

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال چهاردهم، شماره ۷۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ صص ۱۵۵-۲۴

ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دکتر مجتبی شربتی^۱

امیر حسین رشیدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان «ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کاربردی و با استفاده از روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن انجام مطالعات نظری و مشاهدات میدانی، تلاش شده است تا در راستای اهداف تحقیق و ارائه پاسخ به سئوالات و تأیید فرضیه‌های تحقیق مبنی بر تأثیر عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گام موثری در این خصوص برداشته شود.

جامعه آماری در این مقاله شامل؛ تعدادی از فرماندهان یگان‌های نظامی و اساتید خبره دانشگاهی و صاحب نظران در موضوع تحقیق می‌باشد. در ادامه، تعداد ۱۰ نفر از نخبگان در امر موضوع تحقیق انتخاب و اطلاعات لازم از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. سپس با تجزیه و تحلیل و با عنایت به استدلال‌ها و دلایل منطقی، تمامی اطلاعات مرتبط با موضوع و همچنین مطالب گردآوری شده در مبانی نظری تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. در نهایت با بررسی بیست و یک پرسش فرعی مطرح شده، تعداد ۲ فرضیه (منفی) بودن تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی ایران) به اثبات و یک فرضیه (منفی) بودن تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اقتصادی ایران) رد گردید.

کلید واژه‌ها: ژئوپلیتیک، امنیت ملی، ترکمنستان، جمهوری اسلامی ایران.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی راهبردی.

مقدمه

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن کشورهای جدید تحت عنوان جمهوری‌های خود مختار آسیای مرکزی و قفقاز این منطقه مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گرفت، موقعیت ژئوپلیتیکی آن و قرار گرفتن در خشکی‌ها نیاز این شورها را به محیط‌های بیرون از خود دو چندان کرده است، یکی از کشورهای تأثیرگذار در این منطقه ترکمنستان می‌باشد که به خاطر برخورداری از منابع نفت و گاز و وجود خطوط انتقال انرژی به خارج از منطقه اهمیت زیادی پیدا کرده است.

موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه جغرافیایی ویژه ترکمنستان بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران منفعت داشته باشد، بیشتر باعث چالش برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین در این پژوهش به شناخت کشور مذکور به لحاظ ژئوپلیتیکی و بحران‌هایی که از گذر وضعیت جغرافیایی برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند خلق کند، پرداخته می‌شود. در مطالعه موقعیت‌های ژئوپلیتیکی در مناطق گوناگون، معمولاً منابع و امکاناتی که سبب جلب توجه قدرت‌های می‌شوند، همانند منابع طبیعی و ثروتی یا موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، بر سر راه‌های عمده بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا بودن، قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس استراتژیک و در نهایت بحث همسایگان آن کشور خاص مدنظر می‌باشد (مجتهد زاده؛ ۱۳۷۷: ۱۶۵). بنابراین با توجه به مراتب فوق، این پژوهش در پی یافتن رابطه بین دو متغیر ژئوپلیتیک ترکمنستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

بیان مسأله

صاحب نظران، نگرش‌های متفاوتی را نسبت به ماهیت و موضوع ژئوپلیتیک ارائه داشته‌اند؛ اما به طور کلی ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست را بررسی می‌کند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲). باید توجه داشت که نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد؛ به عبارت دیگر، اولیای امور به آن حدی که تصور می‌شود در انتخاب روش‌های سیاسی آزاد نیستند، بلکه زمینه فعالیت و قدرت آن‌ها بسیار

محدود است زیرا عوامل و وضعیت‌های خاصی وجود دارند که تأثیر عمیقی در سیاست خارجی هر کشوری می‌گذارند و یکی از مهم‌ترین این عوامل تأثیرگذار، وضعیت ژئوپلیتیکی هر کشور می‌باشد (عزتی، ۱۳۸۶: ۱).

جایگاهی که کشور در نظام بین‌الملل، میزان دسترسی به منابع طبیعی، تأثیرات آب و هوا، طول مرزها، ناهمواری‌ها، همسایگی با دولت‌های مختلف، خود سبب بروز تعاملات متفاوتی در عرصه تعاملات جهانی می‌گردد. اهمیت دیگر مباحث ژئوپلیتیک در این نکته است که چون بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست کشورها مدنظر است بر همین اساسی می‌توان با تکیه بر داده‌های جغرافیایی، آینده و خط مشی سیاسی کشورها را تا حدودی پیش‌بینی نمود و نهایت این که چنانچه کشورها توانایی لازم در بهره‌وری از موقعیت مساعد جغرافیایی خود را نداشته باشند، قدرت‌های خارجی بر اساس منافع خود از آن‌ها بهره‌می‌برند و به نوعی بحران‌زایی می‌کنند. بنابراین ژئوپلیتیک عاملی است حائز اهمیت که هم می‌تواند فرصت‌هایی را به وجود آورد و هم چالش‌هایی را سبب گردد. موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ترکمنستان و برخورداری از منابع انرژی در کنار محصور شدن در خشکی زمینه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشور را فراهم کرده است. حضور کشورهای هم‌چون آمریکا در حاشیه‌های مرزی ایران بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار می‌باشد. در این تحقیق مسأله اصلی که محقق با آن روبروست، این است که تأثیرات ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ تا با استفاده از ظرفیت‌های لازم جمهوری اسلامی ایران تدابیری مناسب اندیشیده شود.

با عنایت به این که ترکمنستان از جایگاه ژئوپلیتیکی حساسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است و راه ورود به آسیای مرکزی بوده و کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای برای دستیابی به دیگر کشورهای آسیای مرکزی باید ابتدا از ترکمنستان عبور کنند و دارای ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران است. همچنین این کشور دارای منابع عظیم زیرزمینی به ویژه نفت و گاز بوده که همین موضوع توجه دولت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای را به این کشور جلب نموده است. با توجه به اهمیت بسیار موارد مطروحه فوق‌الذکر ضرورت بررسی ژئوپلیتیک ترکمنستان و

تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اجتناب ناپذیر خواهد بود. حضور اقلیت ترکمن در کشور جمهوری اسلامی ایران این کشور را یکی از کشورهای تأثیرگذار در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. از طرفی عدم انجام کار علمی در مورد شناخت این تأثیرگذاری، این کار تحقیقی را دارای اهمیت بالایی نموده است و ضرورت ایجاد می‌کند که با مطالعه علمی و شناخت تأثیرات امنیت این کشور بر جمهوری اسلامی ایران از تأثیرات منفی آن جلوگیری نموده و بر بخش تأثیرات مثبت تأکید شود. پر واضح است که عدم توجه به این مسائل بدون شک هزینه‌های گزافی برای کشور جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت. پس بنابراین باید، دولت جمهوری اسلامی ایران تمهیدات لازم را نسبت به بررسی ژئوپولیتیک کشور ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار دهد.

هدف تحقیق

بررسی ژئوپولوتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

پرسش اصلی تحقیق

تأثیر ژئوپولیتیک ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و قلمرو تحقیق از لحاظ مکانی شامل: جغرافیایی کشور ایران و ترکمنستان و از نظر قلمرو موضوعی به بررسی ژئوپولیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و از لحاظ قلمرو زمانی نیز با توجه به همسایگی کشور ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران و شرایط تهدیدهای آینده و مسائل مختلف، به نظر می‌رسد نتایج این پژوهش از لحاظ قلمرو زمانی تا سالیان متمادی قابل بهره برداری و استفاده خواهد بود.

گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه کتب و مقالات و با بررسی اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین به روش تحقیقات میدانی با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و تهیه و توزیع پرسش نامه (مصاحبه) بین افراد خبره و صاحب نظر صورت

گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه آماری مورد نظر در این پایان نامه تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان نظامی و خبره در امر موضوع تحقیق، اساتید خبره دانشگاهی می باشند.

در خصوص روایی، در این مدل با توجه به نوع تحقیق، نسبت به سنجش اعتبار محتوای ابزار اندازه گیری پرداخته شده است. از این رو اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. در این خصوص ابتدا با استفاده از داده‌های گردآوری شده در مطالعات نظری و تحقیقات میدانی اقدام به تهیه پرسش نامه جهت مصاحبه در قالب ۲۱ پرسش مطرح گردید، سپس این عوامل و پرسش های پژوهش (پرسش نامه) به رؤیت و تأیید برخی از اساتید و صاحب نظران رسید، که اغلب شاخص‌ها (پرسش ها) دارای اعتبار بالایی بوده و پرسش هایی که از اعتبار کمی برخوردار بودند، با نظر صاحب نظران اصلاح گردیدند. همچنین پیشنهادهای این صاحب نظران و اساتید مورد بررسی قرار گرفته و پرسش نامه نهایی با بیست و یک پرسش بین جامعه نمونه آماری توزیع و مصاحبه گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم افزار EXCEL و با بهره گیری از روش های کمی آماری زیر صورت گرفته است:

- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای هر یک از عوامل تأثیر گذار ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران؛
- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای هر یک از عوامل ثابت و متغیر تأثیر گذار ترکمنستان در امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.
- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای تعیین میزان تأثیر گذاری ژئوپلیتیک ترکمنستان در امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفاهیم و اصلاحات

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل از سوی صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است. در این تعریف، ژئوپلیتیک به عنوان روش اقدام یا گفتمان سیاسی و نه به عنوان موضوع علمی مطرح شده است؛ بنابراین بعد کاربردی ژئوپلیتیک در تصمیم‌گیری سیاسی مورد توجه است (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). عزت‌الله عزتی تعریف زیر را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد: «ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیر حکومتی و تحولات آن‌ها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد» (عزتی، ۱۳۷۳: ۸۸).

ساموئل بی کوهن، جغرافی‌دان و ژئوپلیتیسین معروف آمریکایی، ژئوپلیتیک را عبارت می‌داند از: مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست، که تأثیر دوجانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد (Cohen, 1994: 17).

محمد رضا حافظ‌نیا نیز ژئوپلیتیک را چنین تعریف نموده است: «تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند و ژئوپلیتیک عبارت است از: علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

واژه ژئوپلیتیک ابتدا در سال ۱۸۹۹ م به وسیله دانشمند علوم سیاسی سوئدی رودلف کی‌آلن به کار گرفته شد. در سال‌های اولیه قرن بیستم، کی‌آلن و سایر متفکرین امپریالیستی (استعمار طلب) ژئوپلیتیک را به عنوان بخشی از دانش استعماری غربی فهمیدند که از رابطه جغرافیای طبیعی و زمین با سیاست بحث می‌کرد. ژئوپلیتیک بعداً با هدف معروف سیاست خارجی آلمان نازی یعنی لئسنرام (تعقیب فضای حیاتی بیشتر برای ملت آلمان) پیوند خورد. بدین معنی که تصور می‌شد، علم ژئوپلیتیک همان ژئوپلیتیک خاص آلمان و سیاست‌های حزب نازی است و همین مسأله موجبات بروز جنگ جهانی دوم را فراهم نموده است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۵).

مفاهیم اساسی در ژئوپلیتیک

قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی

قلمرو ژئوپلیتیکی یعنی، فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، فنآوری و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی و پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارد، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

نظم ژئوپلیتیکی

عبارت است از: الگوی پایدار سیاست جهانی که از طریق مجموعه‌ای از قواعد، توسط قدرت‌های بزرگ حاکم می‌گردد (Taylor, 1994: 330). به عبارتی، در هر نظم ژئوپلیتیکی که برای دوره‌ای مشخص بر جهان حاکم است، یک یا چند قدرت بزرگ آن را شکل داده و مدیریت و رهبری فرآیندهای آن را به عهده دارند. روابط قدرت‌ها با یکدیگر و نیز با سایر عناصر سیستم ژئوپلیتیک بر پایه سطح قدرت آن‌ها تعریف می‌گردد. در نظم مزبور قدرت‌های بزرگ در نقش سلطه‌گر سعی بر تفوق بر دیگران داشته و منافع ملی آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

دولت ملی

ملت‌ها بر دو نوع بسیط و ترکیبی هستند و از نظر حقوقی هر دو اساس دولت ملی را تشکیل می‌دهند؛ اما از نظر خصیصه‌های مشترک، تنها ملت‌های بسیط اساس معناداری برای دولت ملی محسوب می‌شوند و در ملت‌های مرکب، گروه‌های اقلیت خود را واقعیتی جداگانه می‌پندارند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

وزن ژئوپلیتیکی

عبارت است از: ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی، جمع جبری عوامل قدرت ملی. از آنجایی که برخی عوامل نظیر بی‌سوادی، فقر، سوانح طبیعی، بی‌ثباتی

سیاسی و نظایر آن در قدرت ملی نقش منفی ایفا می‌کنند و در نقطه مقابل برخی از عوامل نظیر سواد، درآمد، سرانه بالانه، فقدان سوانح، ثابت سیاسی، سطح عملی و فنآوری بالا و نظایر آن نقش مثبت در قدرت ملی ایفا می‌کنند، بنابراین در برآورد وزن ژئوپلیتیکی، به نقش عوامل و متغیرهای موثر در قدرت ملی باید توجه شود. وزن ژئوپلیتیکی موقعیت یک کشور و یا منزلت آن را در مجموعه ای از کشورها و یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای نشان می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

استراتژی ژئوپلیتیکی

راهبرد و خط مشی متخذه از سوی یک دولت یا سازمان و ائتلاف بین المللی بر علیه رقبای خود برای رسیدن به اهداف و منابع ملی با استفاده از عوامل جغرافیایی است (همان: ۱۲۲).

تعلق ژئوپلیتیکی

مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار و به لحاظ کارکردی تأمین کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب گردد. تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فنآوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست محیطی می‌باشند و کشور به آنها دلستگی و علاقه دارد.

کدژئوپلیتیکی

این مفهوم توسط پیتیر تیلور جغرافی دان سیاسی معروف انگلیسی وضع شد که به اعتقاد وی عبارت است از: دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. (Taylor, 1994: 330)

بحران ژئوپلیتیکی

عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران

سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیست گاه انسان‌ها می‌گردند. در بحران‌های ژئوپلیتیکی باید به مسائلی از جمله: موضوع و عامل بحران، پایداری و تداوم نسبی که بحران‌های ژئوپلیتیکی از آن برخوردارند، ایجاد شرایط لازم جهت حل بحران‌های ژئوپلیتیکی و مواردی از این قبیل توجه نمود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از: بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد؛ مانند منطقه خلیج فارس، دریای خزر، قاره اروپا، آمریکای شمالی، جنوب شرقی آسیا، منطقه عربی و غیره. منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

سلسله مراتب ژئوپلیتیکی

کوهن در چارچوب نظریه سیستم ژئوپلیتیکی جهان، پنج سطح قدرت را تعیین می‌کند که سطح اول آن را قدرت‌های جهانی، سطح دوم آن را قدرت‌های منطقه‌ای و سطح سوم آن را قدرت‌هایی فرعی منطقه‌ای و سطوح باقی مانده را کشورهای تشکیل می‌دهند که فاقد توانایی شکل دادن به حوزه‌های نفوذ هستند و بیشتر درگیر مسائل خود بوده و یا به حوزه نفوذ سطوح سه گانه فوق تبدیل می‌شوند. در این الگوی سطح بندی، کوهن ویژگی‌های هر سطح قدرت و الگوی رابطه و تاثیر و نفوذ آن‌ها را بر یکدیگر بیان نموده و سلسله مراتب را عنصر اصلی سیستم ژئوپلیتیکی جهان می‌داند که قابلیت انعطاف نیز دارد (Cohen, 1994: 28-20).

مفهوم امنیت ملی

امنیت به عنوان اصلی‌ترین وظیفه دولت‌ها از جمله مفاهیم پیچیده و مبهمی است که توجه، وقت و

هزینه زیادی را از سوی سیاستمداران تصمیم‌سازان و نظامیان به خود اختصاص داده است. برخلاف برخی از موضوعات عینی پیچیده که از نظر مفهومی ساده و روشن هستند، امنیت ملی هم از نظر مفهومی و هم از نظر عینیت خارجی دارای ابهام و کدورت است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۵).

امنیت ملی و تهدید

در همه مباحث امنیت، تعیین نوع تهدید به صورت صریح یا ضمنی مطرح است. امنیت در برابر رکود، در برابر بازجویی و بازداشت غیر قانونی، در برابر حملات نظامی، در برابر تورم، فرسایش تدریجی و غیره. پیش فرض امنیت تهدید است. تهدید یکی از مهم‌ترین مفاهیم در معنا کردن امنیت ملی است. این مفهوم قدمتی دیرپاتر از مفهوم امنیت ملی دارد و قبل از آن نیز در ادبیات راهبردی به کار گرفته شده است. با این وجود تهدید و به کارگیری آن در حوزه امنیت ملی تابع استانداردهای به خصوصی نمی‌باشد و مباحث نظری در تناسب و ارتباط با مقتضیات زمانی و مکانی پاسخ‌های متنوعی را در این مورد مطرح کرده‌اند. از جمله ریچارد اولمان در زمینه تعریف تهدیدات امنیت ملی، تهدید را مترادف با اقدامات و یا محصول رویدادهایی می‌داند که به طور مؤثر در ظرف زمانی نسبتاً کوتاهی کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد و علاوه بر آن دامنه‌گزینه‌ها و انتخاب‌های سیاست‌گذاران یا واحدهای خصوصی را در زمینه اتخاذ سیاست مقتضی به شدت به مخاطره اندازد. نکته مهم در باب تهدید این است که اساساً تمامی نظریات و برداشت‌هایی که در چهارچوب مباحث تئوریک و نظریه پردازانه در مورد امنیت ارائه شده، تماماً بر محور نوع نگرش تحلیلی که در مورد نوع، کیفیت، حوزه و شدت تهدیدات وجود دارند قرار گرفته است. لذا توجه به مقوله تهدید و تبیین‌هایی که از آن ارائه می‌شود عملاً بخش تفکیک‌ناپذیر انواع تحلیل‌های امنیتی است (مک کین لای، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

امنیت ملی و منافع ملی

منافع ملی از جمله مفاهیمی است که همزمان با تشکیل دولت‌های ملی در قرن هفدهم مرسوم شد و هرگونه تحلیل در باب امنیت و سیاست‌های معطوف به آن به طور مستقیم منافع ملی را مورد توجه قرار می‌دهد. ولفرز در تحلیل کلاسیک خود از مفهوم امنیت ملی معتقد است که امنیت ملی مشتق

از ایده منافع ملی است و در اصل نشان دهنده تغییر توجه از رفاه به امنیت در حوزه منافع ملی است. در این تحلیل بین امنیت و منافع ملی رابطه جزء و کل برقرار می‌شود، که امنیت ملی جزئی از مفهوم گسترده منافع ملی است. (مک کین لای، ۱۳۷۹: ۳۴۲).

عوامل موثر در ژئوپلیتیک

عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند را می‌توان به دو دسته اساسی تقسیم کرد. برخی از این عوامل ثابت و پایدار هستند و درجه تأثیر آن‌ها قطعیت بیشتری دارد که در این مورد می‌توان از عامل جغرافیا نام برد. بعضی از عوامل نیز از ثابت و استمرار کمتری برخوردارند و درجه تأثیر آن‌ها متغیر است. در این زمینه می‌توان به عامل اقتصاد و یا نظام بین‌المللی اشاره کرد. بنابراین درجه تأثیر، ثبات و استمرار همه عوامل مؤثر بر سیاست خارجی یکسان نیست. در اینجا باید به این موضوع اشاره نمود که مفاهیم ثابت و متغیر به صورت مطلق مورد نظر نیست، بلکه صورت نسبی آن‌ها مورد توجه است (جعفر ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۲).

عوامل ثابت عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی، فضا، وسعت، ناهمواری‌ها، شکل کشور، آب و هوا، همسایگان و نوع رابطه آن‌ها.

عوامل متغیر نیز عبارت‌اند از: جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی.

عوامل جغرافیایی بسته به اوضاع و احوال کشورها و شیوه‌های آن‌ها در به کارگیری و استفاده از این عوامل در سیاست داخلی و خارجی، می‌تواند نتایج مثبت و یا منفی به بار آورد. اما دولت‌ها می‌کوشند با توجه به نوع و میزان قدرت آفرینی عوامل جغرافیایی از آن‌ها استفاده کنند تا به این وسیله بتوانند اراده سیاسی خود را در عرصه‌های داخلی یا بین‌المللی عملی نمایند. باید توجه داشت که، بهره‌برداری از عوامل جغرافیایی به قدرت و توانایی کشورها بستگی دارد. اگر کشوری توانایی لازم را برای استفاده از این عوامل نداشته باشد، در این صورت کشورهای دیگر از آن بهره‌برداری خواهند کرد (جعفر ولدانی، ۱۳۸۷: ۳).

سیر تاریخی تعریف امنیت در جهان

والتر لیپمن از نخستین کسانی است که سعی کرده از: «امنیت ملی» تعریفی ارائه دهد: یک ملت

وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱).

دانش نامه بین‌المللی علوم اجتماعی، «امنیت ملی» را «توان یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی» و یا «احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و ترس از خطر جدی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور» تعریف کرده است (بهزادی، ۱۳۶۹، ۱۰۱). بنابراین، «امنیت» یعنی: تضمین ایمنی قرارهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها و نیز یعنی: «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع».

«امنیت ملی» (National Security) یعنی: مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خراب‌کارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت حمله امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است؛ یعنی آمادگی برای مخاصمه به خاطر باز داشتن آن یا دوری گزیدن از آن، با این همه، خود سیاست‌های مربوط به امنیت ملی ممکن است در شرایط به خصوصی (مثل مسابقه تسلیحاتی و کنترل تسلیحات) موجب ناامنی گردند. روحیه نیروهای نظامی، تعداد و هوشمندی دانشمندان، فن‌آوری، ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپولیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی هستند (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۳۵۲).

نویسنده ای معتقد است: امنیت در سیر تاریخی خود، چهار تحول گفتمانی بر اساس چهار دوره خاص تاریخی را طی کرده و در هر گفتمان، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی را تجربه نموده است.

۱-جامعه بدوی - گفتمان سنتی

در این گفتمان، «امنیت» به معنای «حفظ بقا و موجودیت» در صدر همه قرار گرفت و منشأ اصلی تهدید نیز طبیعت دانسته شد

۲- جامعه مدنی - گفتمانی ستی

در این گفتمان، «امنیت» به معنای «فقدان تهدید» تعریف شد و منشأ اصلی تهدید نیز جنگ به شمار آمد.

۳- جامعه مدنی - گفتمان نوین

در این گفتمان، فقدان تهدید زمانی معنادار است که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از آن قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. به عبارت دیگر، در گفتمان نوین، بر اساس نوعی نگرش ایجابی، تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است و چنین نگرشی نتیجه منطقی تشکیل دولت‌های جدید بر اساس مفهوم «حاکمیت» است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته‌اند و منشأ اصلی تهدید قدرت طلبی است (خلیلی، ۱۳۸۴، ۹۷).

۴- جامعه جهانی - گفتمان فرانونین

در این گفتمان، «امنیت» به معنای «همکاری و همگرایی» است، آن هم به خاطر برداشت ایده آلیستی که همکاری دولت‌ها را امری اخلاقی و ارزشی و نتیجه خوش بینی به انسان و اعتماد به عقل خود بنیاد انسانی دانسته که پیامد آن صلح پایدار بر اساس ارزش‌های مشترک بشری است. منشأ اصلی تهدید در این گفتمان، دولت است.

بنابراین، برای جلوگیری از این فرایند، که در برخی دولت‌ها تهدیدی برای امنیت دیگر دولت‌ها محسوب می‌شوند، برای مهار و جلوگیری از تهدید امنیت، آن‌ها تلاش می‌کنند که به هم نزدیک تر شوند.

مهم‌ترین اهداف عمده امنیت ملی، عبارت است از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛
- ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات کشور؛
- ۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اقتصادی؛
- ۴- فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی.

بنابراین، امنیت ملی وجود شرایطی است که می‌توان در آن، ارزش‌های حیاتی یک ملت در مقابل تهدیدات خارجی و داخلی را حفظ کرد (روشندل، ۱۳۷۴، ۱۳-۱۴)

نظریه‌های مرتبط با ژئوپلیتیک

۱. نظریه ارگانسیم دولت با تاکید بر اهمیت فضای ژئوپلیتیک (فردریک راتزل، ۱۸۴۴-۱۹۰۴)

تفکر ژئوپلیتیکی قرن بیستم، در دوران بحران علمی متولد شد؛ به عبارت دیگر، این علم زمانی خود را مطرح کرد که جدال بین طرفداران مادیت و معنویت جهت هدایت جامعه، با بهره‌گیری از علوم و فنون و تکنیک به اوج خود رسیده بود و دیگر انسان‌ها به عنوان برابر و برادر به هم نگاه نمی‌کردند بلکه طبیعت آن‌ها گرایش هجومی پیدا کرده بود و مسأله تنازع بقاء شکل می‌گرفت. (عزتی، ۱۳۸۶: ۷)

در چنین شرایطی، جغرافیای مردمی در برابر جغرافیای سلطنتی زاده می‌شود و در آن فضای هویت جوئی آلمان، فردریک راتزل، قوانین جغرافیای سیاسی را تدوین می‌کند. او استدلال خود را بر مبنای عناصر خارجی پایدار و ثابت جغرافیای سیاسی، یعنی جغرافیای طبیعی بنیان می‌گذارد. اندیشه او در مورد آینده آلمان، هویت و نیز جایگاهی که این کشور در سطح جهان باید از آن برخوردار باشد، است. (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۳-۲)

به عبارت دیگر، واضع جغرافیایی سیاسی فردریک راتزل آلمانی و مهد گسترش این شاخه علمی نیز همان کشور بوده است. نظریات راتزل در دورانی ابزار شد که آلمان مدرن در سال ۱۸۷۱ م ایجاد شده بود و تحت رهبری جاه طلبانه پروس خود را قدرتی بزرگ در رقابت با بریتانیا، فرانسه، اتریش و روسیه می‌دید. با توجه به شرایط ویژه آلمان که حکومتی محصور در خشکی و دارای مشکلاتی در راه توسعه سرزمین خود بود، در دهه پایانی قرن نوزدهم، نظریاتی درباره ارتباط میان سرزمین و قدرت حکومت در میان طبقه روشنفکر جدید این کشور به ویژه راتزل به عنوان بنیانگذار جغرافیای سیاسی، مطرح گردید. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

جغرافیای سیاسی که توسط او، پایه گذاری شده بود بر پایه مفهوم ژئوپلیتیک شکل گرفت. راتزل خودش بر اساس یک قیاس بیولوژیکی به رشد فضائی دولت‌ها اعتقاد داشت. وی سه حقیقت

اساسی جغرافیایی را در منزلت و رشد کشورها موثر می‌دانست:

- سرزمین مشخص و فضای معین همراه با موقعیت طبیعی و جغرافیای سیاسی در بین سایر کشورها
- مردمی متجانس و وابسته به ناحیه جغرافیایی کشور
- توسعه کشور از چارچوب طبیعی که کانون اولیه آن بوده و به دلیل رشد جمعیت نیاز به سرزمین بیشتری دارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳)

راتزل معتقد بود، انسان لازم است برای کسب موفقیت، خود را با محیط هماهنگ بسازد، همانطور که گیاهان چنین عملی انجام می‌دهند. او معتقد بود، کشورها مانند یک موجود زنده، تابع قوانین خاص خود هستند. از دیدگاه وی، دولت حاصل تکامل ارگانیک است و اجزای وابسته آن، شبیه درختی است که اندام فضایی آن در خاک قرار دارد و برای آن که این اندام رشد و تکامل یابد، توسعه ارضی لازم و ضروری می‌نماید. هرچه وسعت کشوری بیشتر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور توسعه بیشتری می‌یابد. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰) افکار راتزل توسط یکی از شاگردانش به نام خانم سمپل، به ایالات متحده آمریکا برده شد. سمپل با ترجمه و تفسیر و نشر عقاید راتزل در آمریکا، کتابی تحت عنوان آثار محیط جغرافیایی منتشر ساخت و با تأکید بر توسعه ارضی، بر پویایی دولت‌ها در این خصوص اشاره کرد. رودلف کلی آلن جغرافی دانان سوئدی نیز تحت تاثیر عقاید راتزل بود و افکار وی را بسط و گسترش داد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۹)

۲. نظریه قدرت دریایی (آلفرد تایرماهان، ۱۸۴۰-۱۹۱۴): آلفرد تایرماهان یکی از نظریه پردازان شاخص آمریکا در زمینه سیاست‌های جغرافیایی است. وی فارغ التحصیل آکادمی دریایی آمریکا و، چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور گذراند و از سال ۱۸۸۶م تا سال ۱۹۰۶مکه با درجهی دریا سالاری (آدمیرال) بازنشسته شد، مسئولیت دانشگاه جنگ نیروی دریایی ایالات متحده را به عهده داشت. او بیش از هر فرد دیگری به تئوری قدرت دریایی و استراتژی آن اهمیت داد و در خط مشی نیروی دریایی آمریکا تغییرات مهمی ایجاد کرد و بر تفکر دریایی فرانسه، ایتالیا، روسیه، ژاپن و دیگر کشورهای نسبتاً پر قدرت، تأثیر نهاد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

۵۲) ماهان به طور کلی بر این عقیده است که شرط اصلی برای اتحاد یک قدرت جهانی، کنترل بر دریاهاست. او در سراسر نوشته‌های متعدد خود، در مورد ایجاد یک مسیر مستقل سازمان داده شده که راهی به سوی استقرار طرح‌های عظیم ملی در تجارت و توسعه ناوبری دریایی است، استدلال نموده است و بیان می‌دارد که تمامی قدرت‌های بزرگ واقعی، قدرت‌های دریایی بودند. وی به طور کلی روسیه را به عنوان یک قدرت محصور در خشکی و بریتانیا را به عنوان یک قدرت دریایی با یکدیگر مقایسه می‌کند و نهایتاً می‌گوید در روسیه، وسعت بسیار زیاد، فاصله‌های زیاد و کافی نبودن ارتباط‌های داخلی، به شدت از وحدت سیاسی کشور جلوگیری می‌کند. لذا روسیه اگر در هم شکسته نشود حداقل بدون توسعه باقی خواهد ماند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۴)

اما بریتانیا که دارای موقعیت جزیره‌ای است، علیرغم وسعت محدودش، به یک قدرت جهانی تبدیل شده است. به نظر ماهان، در اروپا تنها بریتانیا به دلیل حالت جزیره‌ای و منزوی بودنش از حملات خارجی در امان ماند و برای دفاع از خود لازم نبود که متحمل هزینه‌های سنگین دفاعی شود؛ بنابراین نیروی انسانی و ثروتش را در جهت توسعه قدرت دریایی به کار گرفت. از این گذشته، موقعیت جغرافیایی بریتانیا به گونه‌ای است که راه تجاری بنادر کشورهای اروپای شمالی و آتلانتیک از کانال انگلیس می‌گذرد و دلایل مشابهی از این قبیل، موجب شد که بریتانیا بتواند اکثر نقاط استراتژیک یا تقریباً همه مسیرهای تجارت جهانی را کنترل کند. مثلاً کنترل کانال سوئز، دماغه امید نیک، دماغه هورن، هنگ کنگ، سنگاپور و تنگه ماژلان به بریتانیا موقعیتی کلیدی در اروپا، آسیا و اقیانوس آرام داده است و جزایر هند غربی بریتانیا بر راه‌های تجاری که از کانال پاناما می‌گذرد، پوشش داده است. ماهان سپس آمریکا را با بریتانیا مقایسه می‌کند و در مورد آمریکا چنین استدلالی ارائه می‌دهد که آمریکا در مرزهایش فاقد کشوری تهدید کننده است و علاوه بر این امتیاز، دارای مرزهای دفاعی و امنیتی ناشی از موقعیت دریایی است و به منابع آمریکای شمالی نیز دسترسی دارد. همچنین واقع شدن بین دو اقیانوس کبیر و اطلس، می‌تواند این کشور را به یک قدرت دریایی عمده تبدیل کند.

ماهان معتقد است که آمریکا از نظر جغرافیایی وضع مشابهی با انگلستان دارد و به منظور

کشاندن پای آمریکا به صحنه دریاهای و تبدیل این کشور به یک کشور استعمارگر مثل بریتانیا، نظریه‌های خود را ارائه می‌دهد. وی به آمریکا توصیه می‌کند که در جهت ایجاد یک نیروی دریایی قوی اقدام کند و در این باره پیشنهادهای نیز ارائه می‌دهد. روزولت رئیس جمهور آمریکا، کتاب ماهان به نام «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ» را پسندید و پس از آن توسعه نیروی دریایی، از اصول سیاست خارجی این کشور شد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۳)

ماهان بر اساس تجزیه و تحلیل قدرت دریایی بریتانیا و تاریخ دریایی جهان، شش عامل را که قدرت دریایی تا حد زیادی به آن‌ها بستگی دارد، دسته بندی نموده که عبارت‌اند از: ۱- موقعیت جغرافیایی ۲- ویژگی‌های طبیعی ۳- طول ساحل و وسعت قلمرو ۴- جمعیت ۵- خصوصیات ملی ۶- خط مشی حکومت و رهبران سیاسی. ماهان، توان کنترل دریاهای را عامل کسب قدرت و دفاع از مستعمرات یک امپراطوری می‌داند. او از متفکرینی بود که قبل از اینکه واژه ژئوپلیتیک اختراع شود، راجع به تأثیر جغرافیا در تنظیم استراتژی جهانی در اواخر قرن نوزدهم، مطالب خود را به رشته تحریر در آورد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵)

۳. نظریه قلب زمین (سر هلفورد مکیندر، ۱۹۴۷-۱۸۶۱): جغرافیا به عنوان یک اصل علمی، در بریتانیا بیش از دیگر کشورهای قاره اروپا، اهمیت و قداست یافت و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و فلسفه آن کشور پیدا کرد، بنابراین در بریتانیا موثرترین دیدگاه‌های جغرافیایی شکل گرفت. مسائل ژئوپلیتیک انگلستان، همواره خارج از مرزهای آن قرار داشت و هم اکنون نیز چنین است (همان: ۹). بدون شک باهوش‌ترین و بانفوذترین متفکر ژئوپلیتیک انگلستان سر هلفورد مکیندر بود. وی در ابتدای سال ۱۸۹۰ اظهار داشت: «موازنه قدرت جغرافیایی بر ضد بریتانیا متمایل گشته، و این کشور به طور جبری خود را بر پا داشته است.» در ادامه می‌گوید: «روند کنونی نشان می‌دهد، قدرت دریایی جهان که هم اکنون رهبری آن را بریتانیا بر عهده دارد، در آینده به خطر خواهد افتاد.» این دیدگاه متأثر از تفسیر تاریخ مکیندر است که کشور محور، به زودی حاکمیت خواهد یافت مگر اینکه یک سری اقدامات علیه آن صورت گیرد. امری رهبر حزب محافظه کار مجلس عوام انگلستان در مورد مکیندر می‌گوید: «مکیندر رشته‌های افکار را به هم وصل کرد و

یک ایده کامل خلق نمود.» (همان: ۱۰)

مکیندر از حرکت اصلاحی استعماری جوزف چمبرلین، وزیر سابق مستعمرات که در صد مدرنیزه کردن امپراتوری بریتانیا از طریق برقراری تعرفه خارجی عمومی بر روی تولیدات سایر دول قدرتمند، در آن زمان بود، حمایت کرد. او نیز مانند بقیه هموطنانش از افزایش قدرت امپراتوری آلمان در قاره اروپا، در هراس بود. برای او، تعالیم جغرافیایی حکم سلاحی را داشت در جهت کارایی متناسب بین دول مقتدر به خصوص در بین بریتانیای کبیر و دولت سزار ویلهلم دوم آلمان. او به دنبال این بود که گروه‌های کارشناسان به توده‌های بریتانیایی بیاموزند تا نظیر حکمران امپراتوری وسیع بیگانه، بیندیشند. هدف وی به گونه‌ای، ایجاد تفکر استعماری برای تمام مردم بود. تفکری که باید در هر فضایی که گستره جهان است گفته شود. و برای به سرانجام رسیدن، آموزش‌های جغرافیایی ما باید هدایت شده باشد. به عبارت دیگر، جغرافیا، نظامی بود که انضباط به ارمغان آورد؛ توده‌های بیسواد را به تفکر به شیوه‌های سیاسی وا داشت که کارشناسانی نظیر مکیندر از آن‌ها انتظار اینگونه تفکر را داشتند. تئوری مکیندر در ژانویه سال ۱۹۰۴، تحت عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» در برابر انجمن سلطنتی جغرافیا مطرح گردید. گفتگوی وی در این باب، هیجانی در آن زمان به وجود آورد و تعدادی از رهبران سیاسی هم حرف‌های او را شنید، ولی تقدیر اینگونه بود که او در دهه‌ای بعد، هنگامی که در جریان جنگ جهانی دوم، آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها، ژئوپلیتیک آلمان را شناخته و آن را با دیدگاه مکیندر، منطبق یافتند، شهرت بیابد. خطابه مکیندر در تاریخ ژئوپلیتیک از سه جنبه اهمیت دارد: از نظر بررسی جهانی دیدگاه‌های مذهبی؛ از نظر تقسیم جهان به پهنه‌های وسیع ممالک سرگذشت ادامه دار تأثیرات زمینه ساز در رشته‌های تاریخ و سیاست. این سه نوآوری در متن نوشته‌های مکیندر برای پیروان و طرفداران بعد او مهم بود. مکیندر برای ترسیم نظریه‌اش، نقشه جهان را به سه بخش تقسیم کرد:

- هلال بیرونی یا سرزمین‌های خارجی که در برگیرنده آمریکا، آفریقا و اقیانوس‌هاست؛
- هلال درونی یا حاشیه‌ای در برگیرنده اروپا و آسیای جنوبی؛
- مناطق محور یا مرکزی که در قلب خشکی بزرگ اوراسیا واقع شده است.

از نظر مکیندر کنترل کننده‌ی منطقه محور، قدرت جهانی می‌باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱)

عوامل تأمین کننده امنیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره): ایشان با اشاره به گزاره‌های مشهور از آیت الله سید حسن مدرس مبنی بر این که: «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست»، کوشید ایده‌ی جدایی ناپذیری حکومت و دین را در اندیشه خود بر عقل و نقل استوار کند، تا ضمانتی محکم برای امنیت سیاسی بیابد. از آنجا که نفس مبارزه با حکومت و تأسیس حکومت اسلامی یکی از فروع دین است که به اصولی مثل توحید، عدل و امامت در جامعه تجسم و عینیت می‌بخشد، حکومت و دیانت در اندیشه سیاسی امام، پیوندی ناگسستنی یافته است. هر گونه خطر یا تهدیدی برای حکومت اسلامی، در عمل تهدیدی متوجه دین خواهد بود. از این نقطه عزیمت است که امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به امنیت سیاسی می‌گراید و چنانچه آسیبی به نظام سیاسی برسد، سایر ابعاد امنیت مثل امنیت فردی و اجتماعی هم در خطر خواهد بود و مسئولیت در این زمینه، متوجه همگان است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۵)

امنیت سیاسی از منظر مقام معظم رهبری: امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دو گونه گویی و دو گونه اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعami که علی الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که بر می‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگویی چپاولگر دشمن ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و نا امنی فکری ایجاد می‌کند. (دیدار نیروهای سپاه و بسیج لشکر پنج نصر، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

پیشینه تاریخی ترکمنستان: ترکمنستان از شش هزار سال پیش مسکونی بوده که ساکنان اولیه این سرزمین قبائلی مانند مسکت که به زبان آریایی تکلم می‌کردند در منطقه ساکن بودند. این کشور از قرن چهارم تا ششم قبل از میلاد بخشی از امپراطوری هخامنشی بوده و سپس به دست

پارت‌ها افتاد. بعداً ساسانیان بر آن غلبه پیدا کردند. در اوایل قرن ششم میلادی قبائل ترک و جنوب غربی آسیای مرکزی سرازیر شدند که در این هنگام نفوذ فرهنگ ترک‌ها باعث تغییر زبان از فارسی به ترکی شد و تا شمال خراسان پیش رفتند. در اواسط قرن هفتم میلادی اعراب مسلمان به خراسان حمله و پایتخت خود را در مرو یا ماری ایجاد کردند. با وجود اسلام این سرزمین جزئی از ایران شد. در قرن نهم میلادی سلسله غزنویان بر این منطقه حکومت می‌کردند. هنگامی که مغول‌ها به آسیای میانه و ایران حمله کردند و ترکمنستان را به اشغال خود درآوردند از قرن پانزدهم تا قرن هفدهم در زمان سلسله صفویه این منطقه به تصرف ایرانیان درآمد و شاه عباس صفوی در قرن شانزدهم حدود پانزده هزار کرد را در کوهستان‌های کپه داغ مستقر کرد. بعداً نادرشاه در اوایل قرن هیجدهم به منطقه حمله و شهرهای مهم آن را به تصرف خود درآورد (سارلی، ۱۳۷۳: ۹)

ترکمنستان در ۳۰ آوریل ۱۹۱۸ به عنوان جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی اعلام موجودیت کرد و در سال ۱۹۲۵ به عنوان جمهوری ترکمنستان یکی از جماهیر اتحاد شوروی گردید. سرانجام بعد از ۷۰ سال در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۱ میلادی ترکمنستان بعد از فروپاشی شوروی اعلام استقلال نمود.

ویژگی‌های کشور ترکمنستان برای ایران عبارت است از:

- ۱- وجود مرز مشترک طولانی آبی و خاکی و اهمیت سیاسی امنیت آن.
- ۲- اکثریت جمعیت مسلمان ترکمنستان و وجود اشتراکات مذهبی.
- ۳- ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و قومیتی که خود به خود موجب نزدیکی دو ملت می‌شود.
- ۴- استفاده از راه‌های ترکمنستان برای دسترسی به بازارهای آسیای میانه یا مرکزی.
- ۵- تأثیرات مثبت یا منفی و وضعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ترکمنستان در امنیت ملی ایران.
- ۶- وجود منابع غنی انرژی فسیلی و دریایی در دریای خزر و لزوم همکاری و هماهنگی در کشور برای بهره برداری.

کشور ترکمنستان نیز به دلایل زیر به رابطه با جمهوری اسلامی ایران اهمیت و ارزش بالایی

می‌دهد.

۱- استفاده از وزنه ارتباط با ایران برای ایجاد توازن سیاسی در روابط خارجی منطقه ای.

۲- استفاده از توانمندی‌ها و امکانات اقتصادی ایران در جهت بازسازی اقتصاد ملی.

۳- اشتراکات تاریخی، مذهبی، قومی، فرهنگی.

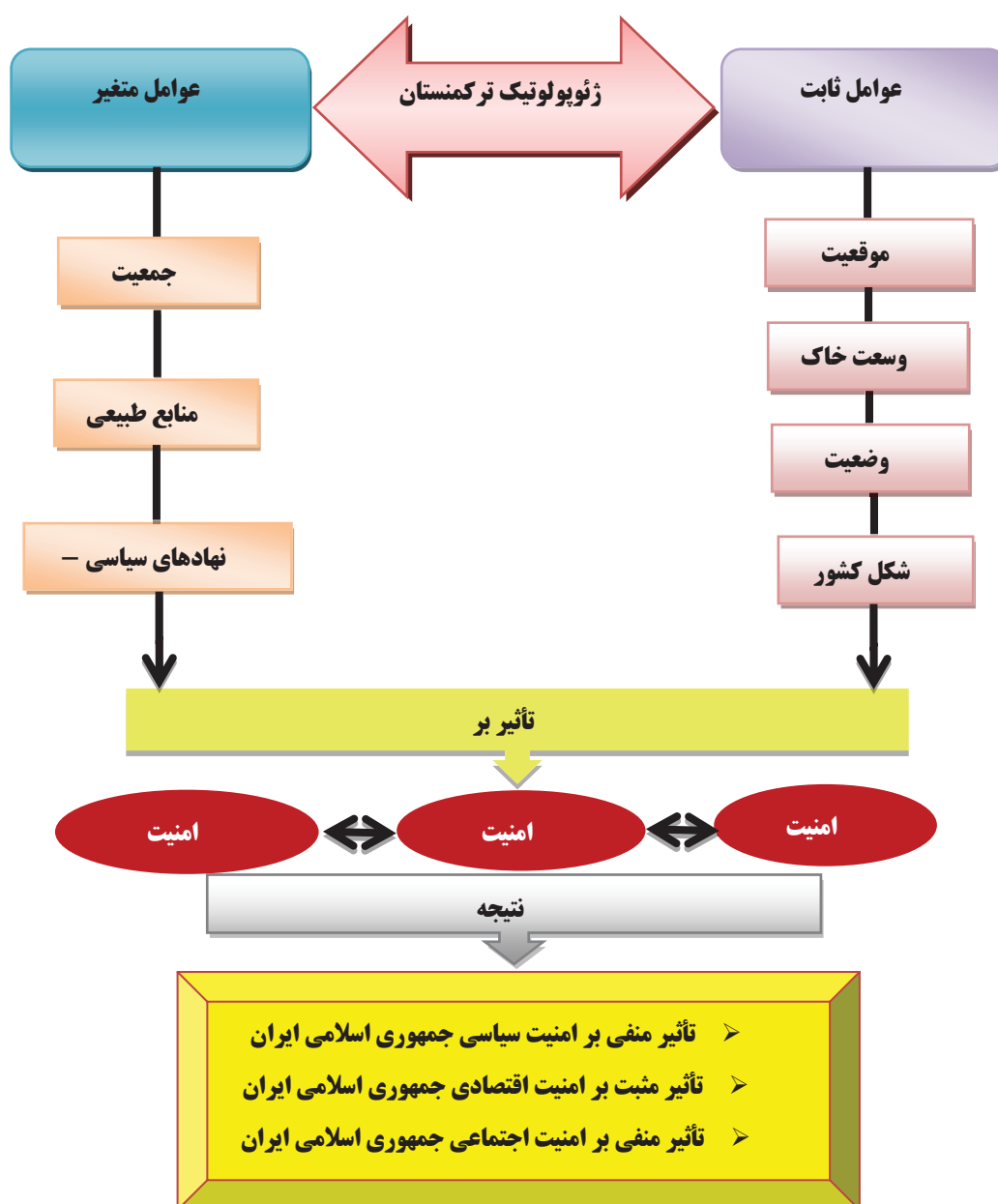
۴- استفاده از امکانات حمل و نقل ای ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد.

آسیای مرکزی کهن‌ترین مناطق تمدن ساز تاریخ بشری است. مورخان عقیده دارند که سابقه سکونت انسان در ترکمنستان به دوران ماقبل تاریخ می‌رسد. در قرن چهارم هجری، «مقدسی» تاریخ نویس عرب، اولین فردی بود که از طایفه ای بنام ترکمن یاد کرد. در واقع واژه ترکمن در زمان اقتدار سلجوقیان رواج یافت. صاحب‌نظران درباره علت برگزیدن اصطلاح ترکمن برای گروهی از مردم عقاید گوناگونی دارند، اما بیشتر نویسندگان بر این باورند که در حقیقت ترک‌هایی که به اسلام گرویدند ترکمن نامیده شدند. در قرن پنجم میلادی برای نخستین بار، ترک‌ها به ناحیه ترکمنستان هجوم آورده و هون‌ها یا هپتالیان با عقب راندن ساسانیان به کوه‌های کپه داغ جانشین آنان شوند و از همین زمان نفوذ فرهنگی ترک‌ها در ترکمنستان آغاز شد. در قرن دهم میلادی دومین گروه ترک‌ها با نام «غز یا اغوز» از مغولستان وارد ماوراءالنهر شدند و در سرزمین میان دریاچه آرال و کوه‌های اورال سکنی گزیدند. گروهی از غزها که در ساحل راست رودخانه سیر دریا (سیحون) ساکن شدند، به تدریج اسلام آورده و از سوی مسلمانان «ترکمن» نامیده شدند.

با بروز تحولات سال ۱۹۱۷ میلادی، بلشویک‌ها در ترکمنستان قدرت یافتند و این کشور در محدوده جمهوری خودمختار ترکستان قرار گرفت. اما پس از سه ماه، دولت مستقلی در این کشور با حمایت انگلیسی‌ها و ملی‌گرایان شکل گرفت. با ایجاد تفاهم میان روس‌ها و انگلیسی‌ها نیروهای ارتش سرخ جایگزین نیروهای انگلیسی در ترکمنستان شدند و این کشور تا سال ۱۹۲۴ میلادی بخشی از جمهوری ترکمنستان باقی ماند. در این سال در پی سیاست‌های استالین در راستای تجزیه ملل بزرگی که حول محورهای قومی یا دینی گرد آمده بودند با تجزیه ترکمنستان به ۶ جمهوری، جمهوری ترکمنستان با مرزبندی امروز به وجود آمد و در ۱۲۷ اکتبر سال ۱۹۲۴ اعلام موجودیت نمود. سرانجام در سال ۱۹۹۱ میلادی پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، ترکمنستان به

استقلال رسید. (احمدیان، ۱۳۷۸: ۲۳۶)

مدل مفهومی تحقیق:



تجزیه و تحلیل داده های تحقیق:

جمهوری ترکمنستان به عنوان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته و به عنوان یکی از همسایگان شمالی ایران برای توسعه ارتباطات منطقه‌ای و جهانی وابستگی حیاتی با جمهوری اسلامی ایران دارد. این کشور به دلیل داشتن منابع انرژی و عدم همجواری با آب‌های آزاد نیازمند ارتباط مناسب با ایران است. روابط اقتصادی دو کشور در بعد دو جانبه در بخش تجارت، انرژی، گاز و سرمایه‌گذاری ضرورتی ملموس است که با ارزیابی‌های انجام شده در حال گسترش و تحکیم است. ترکمنستان در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای ایران و در آسیای مرکزی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. علاوه بر مشترکات عمیق تاریخی و فرهنگی میان دو ملت وجود مرزهای طولانی عامل مهمی در توسعه مناسبات فی مابین است. منافع ملی و امنیتی ایران حکم می‌کند، تا در ترکمنستان ثبات سیاسی حاکم باشد. به هر اندازه این کشورها با ثبات تر و از انسجام داخلی بیشتری برخوردار باشند، از میزان وابستگی آن‌ها به دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای کاسته خواهد شد. تقویت روابط با ترکمنستان می‌تواند به ارتقای موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی منجر گردد.

در این قسمت ضمن توصیف ویژگی‌های جامعه‌ی نمونه‌ی آماری، در ابتدا به صورت مسئله محور به توصیف یافته‌ها و داده‌های تحقیق در قالب جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی پرداخته شده است و سپس نسبت به تجزیه و تحلیل هر یک از شاخص‌های مرتبط با عوامل تأثیر گذار ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش‌های توصیفی که در ادامه توضیح داده خواهد شد، نیز اقدام گردیده است و در نهایت به ارزیابی فرضیه‌های تحقیق و توصیف یافته‌ها و داده‌های تحقیق در قالب جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی پرداخته شده که به عنوان نمونه یکی از عوامل تأثیر گذار ذکر گردیده است.

تأثیر عامل ۱: به نظر جنابعالی موقعیت جغرافیایی کشور ترکمنستان چه تأثیری و به چه میزان بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار می‌باشد؟

از مجموع پاسخ‌های دریافتی از حجم جامعه‌ی نمونه‌ی آماری، ۱۰ درصد تأثیر موقعیت جغرافیایی کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد، ۷۰

درصد زیاد و ۲۰ درصد متوسط می‌دانند که می‌توان چنین استنباط نمود که این عامل تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران دارد.

جدول (۴-۴) توزیع درصد تأثیر عامل ۱ بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران

طبقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی زیاد	۱	۱۰	۱۰
زیاد	۷	۷۰	۸۰
متوسط	۲	۲۰	۱۰۰
کم	۰	۰	
خیلی کم	۰	۰	
جمع	۱۰	۱۰۰	



نمودار (۴-۴) توزیع درصد تأثیر عامل ۱ بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران

پاسخ سؤال اول تحقیق:

ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
 پس از استخراج تأثیر و میزان تأثیر هر یک از عوامل ثابت و متغیر در ادامه برای رسیدن به جواب سؤال اول تحقیق، جواب‌های استخراج شده از مجموع هر یک از عوامل ثابت و متغیر را در هر طیف (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و بدون جواب) را تقسیم بر دو نموده و به میزان

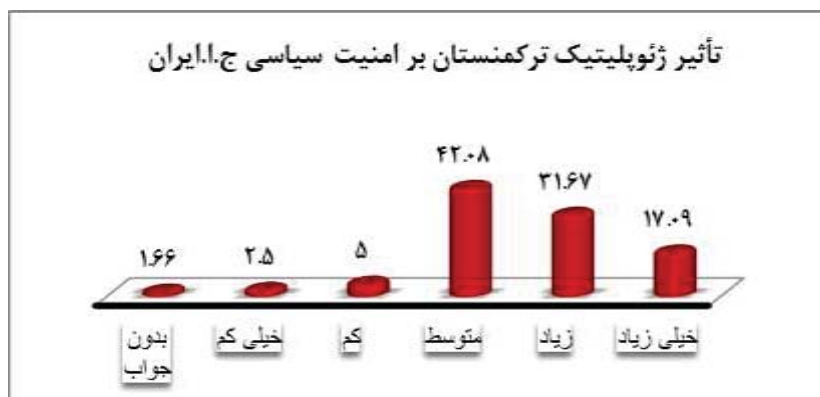
ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تأثیر واقعی ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌رسیم که در قالب جدول و نمودار زیر ترسیم گردیده است:

از مجموع جواب پاسخ گویان، ۱۷/۰۹ درصد تأثیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، را در حد خیلی زیاد، ۳۱/۶۷ درصد زیاد، ۴۲/۰۸ درصد متوسط، ۵ درصد کم، ۲/۵ درصد خیلی کم و ۱/۶۶ درصد بدون جواب می‌دانند، که در جمع می‌توان استنباط نمود که ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان می‌تواند بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای تأثیر زیاد و منفی باشد.

جدول (۲۷-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی ج.ا.ایران

طبقه	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی زیاد	۱۷/۰۹	۱۷/۰۹
زیاد	۳۱/۶۷	۴۸/۷۶
متوسط	۴۲/۰۸	۹۰/۸۴
کم	۵	۹۵/۸۴
خیلی کم	۲/۵	۹۸/۳۴
بدون جواب	۱/۶۶	۱۰۰
جمع	۱۰۰	



جدول (۲۷-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی ج.ا.ایران

برای پاسخ به سؤال اول تحقیق در خصوص ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟ و همچنین تأیید فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که ژئوپلیتیک ترکمنستان،

تأثیرات منفی را در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، می‌توان چنین جمع بندی نمود که؛ با توجه به جمع آوری پاسخ‌های جامعه نمونه آماری و تجزیه و تحلیل موارد مطروحه، عوامل متغیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان تأثیرات منفی بیشتر از عوامل ثابت آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته و می‌توان بیان داشت که ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی دارد. پس فرضیه اول تحقیق هم به استناد پاسخ‌های فوق و موارد پیش گفته تأیید می‌گردد.

پاسخ سؤال دوم تحقیق:

ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی دارد؟

پس از استخراج تأثیر و میزان تأثیر هر یک از عوامل ثابت و متغیر در ادامه برای رسیدن به جواب سؤال اول تحقیق، جواب‌های استخراج شده از مجموع هریک از عوامل ثابت و متغیر را در هر طیف (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و بدون جواب) را تقسیم بر دو نموده و به میزان تأثیر واقعی ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌رسیم که در قالب جدول و نمودار زیر ترسیم گردیده است:

از مجموع جواب پاسخ گویان، ۲۵ درصد تأثیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، را در حد خیلی زیاد، ۲۷/۹۱ درصد زیاد، ۳۹/۵۹ درصد متوسط، ۶/۲۵ درصد کم و ۱/۲۵ درصد خیلی کم می‌دانند، که در جمع می‌توان استنباط نمود که ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان می‌تواند بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارای تأثیر زیاد و مثبت باشد.

جدول (۳۰-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اقتصادی ج.ا.ایران

طبقه	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی زیاد	۲۵	۲۵
زیاد	۲۷/۹۱	۵۲/۹۱
متوسط	۳۹/۵۹	۹۲/۵
کم	۶/۲۵	۹۸/۷۵
خیلی کم	۱/۲۵	۱۰۰
جمع	۱۰۰	



نمودار (۳۰-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اقتصادی ج.ا.ایران

برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق در خصوص ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی دارد؟ و همچنین بررسی فرضیه دوم تحقیق مبنی بر این که ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، می توان چنین جمع بندی نمود که؛ کشور ترکمنستان به لحاظ این که اکثر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند و اکثراً دارای گویش فارسی زبان بوده و وجوه مشترک قومیتی هم دارند، و از طرفی به دلیل داشتن مرز مشترک زمینی با ایران (جاده ای و ریلی) از اهمیت خاصی در جایگاه اقتصادی ایران داشته و این وجوه باعث گردیده که امنیت اقتصادی هر چه بیشتر پر رونق گردد. مواردی مانند حضور بیگانگان بر سر بازار گاز مشترک ایران و ترکمنستان از موارد منفی برای ایران نمی باشد، بلکه بایستی کشور ایران با سوق دادن بازار سرمایه داخلی به سمت سرمایه گذاری در این میدان گازی سعی در بهره گیری بیشتر داشته باشد. پس در نتیجه می توان بیان نمود که موارد مثبت تأثیرات اقتصادی ترکمنستان برای ایران بیشتر از موارد منفی بوده، در نتیجه فرضیه دوم تحقیق رد می گردد.

پاسخ سؤال سوم تحقیق:

ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی دارد؟

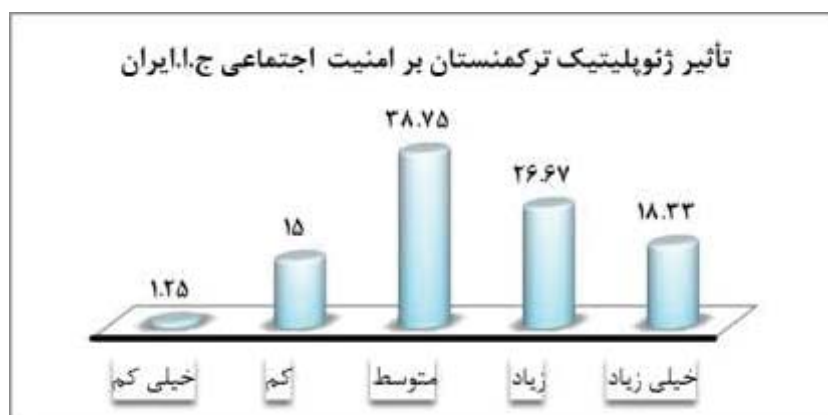
پس از استخراج تأثیر و میزان تأثیر هر یک از عوامل ثابت و متغیر در ادامه برای رسیدن به جواب سؤال اول تحقیق، جواب های استخراج شده از مجموع هریک از عوامل ثابت و متغیر را در هر

طیف (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و بدون جواب) را تقسیم بر دو نموده و به میزان تأثیر واقعی ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران می‌رسیم که در قالب جدول و نمودار زیر ترسیم گردیده است:

از مجموع جواب پاسخ گویان، ۱۸/۳۳ درصد تأثیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، را در حد خیلی زیاد، ۲۶/۶۷ درصد زیاد، ۳۸/۷۵ درصد متوسط، ۱۵ درصد کم و ۱/۲۵ درصد خیلی کم می‌دانند، که در جمع می‌توان استنباط نمود که ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان می‌تواند بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران دارای تأثیر زیاد و منفی می‌باشد.

جدول (۳۳-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اجتماعی ج.ا.ایران

طبقه	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی زیاد	۱۸/۳۳	۱۸/۳۳
زیاد	۲۶/۶۷	۴۵
متوسط	۳۸/۷۵	۸۳/۷۵
کم	۱۵	۹۸/۷۵
خیلی کم	۱/۲۵	۱۰۰
جمع	۱۰۰	



نمودار (۳۳-۴) توزیع درصد تأثیر ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت اجتماعی ج.ا.ایران

برای پاسخ به سؤال سوم تحقیق در خصوص ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی دارد؟ و همچنین بررسی فرضیه سوم تحقیق مبنی بر این که ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، می‌توان چنین جمع بندی نمود که؛ با توجه به مسائل پیش گفته عوامل متغیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان تأثیرات منفی در امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران دارد. پس در نتیجه فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌گردد.

نتیجه گیری:

بر اساس یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل انجام شده به شرح فصول پیش گفته که حاصل مطالعات نظری و تحقیقات میدانی می‌باشد، به سئوالات تحقیق به شرح ذیل پاسخ داده می‌شود.

پاسخ سؤال اول تحقیق:

سؤال اول تحقیق: ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟ با توجه به تجزیه و تحلیل پیش گفته، در پاسخ به سؤال اول تحقیق و تأیید فرضیه اول پژوهش، ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در قالب مؤلفه‌های دو گانه عوامل ثابت مشتمل بر چهار عامل و عوامل متغیر، مشتمل بر سه عامل به شرح پیش گفته تعیین گردیدند، که عوامل متغیر (جمعیت، منابع طبیعی و نهادهای سیاسی - اجتماعی) مؤثرترین عوامل به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تأثیر منفی ژئوپلیتیک ترکمنستان در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

پاسخ سؤال دوم تحقیق:

سؤال دوم تحقیق: ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی دارد؟ با توجه به تجزیه و تحلیل پیش گفته، در پاسخ به سؤال دوم تحقیق و فرضیه دوم پژوهش، ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قالب مؤلفه‌های دو گانه عوامل ثابت مشتمل بر چهار عامل و عوامل متغیر، مشتمل بر سه عامل به شرح پیش گفته نداشته و در نتیجه فرضیه‌ی دوم تحقیق رد می‌گردد.

پاسخ سؤال سوم تحقیق:

سؤال دوم تحقیق: ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی دارد؟
با توجه به تجزیه و تحلیل پیش گفته، در پاسخ به سؤال سوم تحقیق و تایید فرضیه سوم پژوهش، ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در قالب مؤلفه‌های دو گانه عوامل ثابت مشتمل بر چهار عامل و عوامل متغیر، مشتمل بر سه عامل به شرح پیش گفته تعیین گردیدند، که عوامل متغیر (جمعیت، منابع طبیعی و نهادهای سیاسی - اجتماعی) مؤثرترین عوامل به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تأثیر منفی ژئوپلیتیک ترکمنستان در امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

پیشنهادات به مسئولین:

با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق و تعیین تأثیرگذاری ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان پیشنهادهای زیر را به مسئولین و همچنین محققین و پژوهشگران علاقه مند به تحقیق در این راستا ارائه نمود:

۱) ضرورت توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان: امروزه نظام‌های

سیاسی به خاطر وجود ارزش‌های مشترک به همکاری روی می‌آورند. ترکمنستان نیز به عنوان یکی از واحدهای سیاسی و یکی از جمهوری‌های آسیای مرکزی از این قواعد حاکم مستثنی نبوده و بعد از کسب استقلال باید اولویت‌های برقراری روابط بین‌المللی خود را انتخاب نماید. ایران به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود جاذبه‌ی زیادی برای کشورهای آسیای مرکزی و از جمله ترکمنستان دارد. از لحاظ جغرافیایی دو کشور وابستگی‌ها داشته و توأمأً نقش برجسته‌ای را در پیوند کشورهای منطقه با شرق آسیا و استفاده از آب‌های آزاد و اتصال به اروپا ایفا می‌نمایند. ترکمنستان برای رسیدن به استقلال واقعی نیازمند به نوعی گریز از مرکز (وابستگی به روسیه) است که این امر وابستگی کامل به همکاری و همگرایی با همسایگان قدرتمند و با ثبات دارد و می‌توان گفت هر میزان همگرایی این کشور با همسایه‌ای چون ایران تقویت شود، زمینه واگرایی آن به مسکو که تقویت ماهیت استقلالی برایش دارد، را فراهم می‌نماید. با توجه به ویژگی‌های همسایگان دیگر

ترکمنستان چون ازبکستان به دلایل تاریخی (تمایلات برتری طلبانه ازبکستان) و افغانستان به دلایل سیاسی نظام (بی ثبات و جنگ داخلی در افغانستان) و... نمی‌توانند پشتوانه‌ی خوبی برای این کشور باشند. بنابراین ترکمنستان برای برقراری ارتباطات منطقه‌ای و جهانی خود علی‌رغم وجود موانع داخلی منطقه‌ای و جهانی ناگزیر است، ایران را به عنوان بهترین گزینه برای توسعه همه‌جانبه خود برگزیند. موقعیت جغرافیایی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی، مشترکات تاریخی و فرهنگی و ... عوامل و ضروریات این فرضیه را تشکیل می‌دهند.

الف) همبستگی فرهنگی، اجتماعی: روابط عمیق و گسترده‌ی فرهنگی بین آسیای مرکزی به خصوص ترکمنستان با ایران از دیرباز سابقه داشته و این امر موجب همبستگی و خویشاوندی و دیرینه‌ای بین ملت ترکمنستان و ایران گشته است. فرهنگ ایرانی در زندگی روزمره ترکمنستان نقش اساسی داشته و روس‌ها علی‌رغم مرزبندی مصنوعی نتوانسته‌اند آن را دگرگون کنند و در مجموع می‌توان حضور فرهنگ ایرانی در آن خطه را به میزانی پررنگ برشمرد که برخی از رهبران فعلی آسیای مرکزی بالاخص ترکمنستان جهت کسب و جبهه‌ی مردمی تلاش دارند خود را به تاریخ کهن ایرانی و فرهنگ غنی آن متصل نمایند.

ب- همبستگی اقتصادی: نیاز به همکاری‌های صادرات و وابستگی جغرافیایی ترکمنستان به ایران در زمینه‌ی انتقال انرژی (بالاخص گاز) و صدور اقلام صادراتی (بالاخص پنبه) همکاری دو کشور در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی (مانند اکو...) زمینه ساز همگرایی و همکاری خواهد بود. روابط اقتصادی دو کشور در بعد دو جانبه در بخش تجارت، انرژی، گاز و سرمایه‌گذاری ضرورتی ملموس است که با ارزیابی‌های انجام شده در حال گسترش و تحکیم است. کمیسیون‌های مشترک، بانکی، ایجاد نمایشگاه‌های بازرگانی، مبادلات مرزی از جمله اقداماتی است که نیازهای متقابل دو کشور به همدیگر را ضروری می‌نماید. صادرات گاز که از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر ترکمنستان است، و ۹۰٪ آن را به صادرات اختصاص داده که بخش عظیمی از آن به صادرات کشورهای اروپایی تعلق دارد و با همکاری ایران محقق می‌شود. از دیگر زمینه‌های اقتصادی بین دو کشور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. زمینه‌های مبادله گاز در موارد زیر:

- جبران مازاد تقاضا برای گاز خلال ماه‌های سرد سال؛
- انتقال گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه؛
- انتقال گاز ترکمنستان به هند از طریق ایران.

۲. زمینه مبادله نفت:

- سوآپ نفت ترکمنستان از طریق ایران؛
- انتقال مستقیم.

۳. زمینه‌های مبادله برق؛

۴. صادرات زغال سنگ به ترکمنستان؛

۵. همکاری مشترک در زمینه انرژی‌های نو.

(۲) پیشنهاد به سایر محققین و پژوهشگران: به دیگر محققانی که علاقمند به پژوهش در

این حوزه می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد؛ تا در جهت استفاده‌های تخصصی، فعالیت‌های پژوهشی خود را در زمینه‌هایی از قبیل؛ بررسی چگونگی استفاده بیشتر ایران از منابع طبیعی در میدان مشترک گاز در این منطقه، آسیب شناسی تأثیرات عوامل متغیر ترکمنستان و تأثیر منفی آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بررسی تأثیر فواید اقتصادی سرمایه‌گذاری مشترک در میدان مشترک انرژی، نقش ترکمنستان در تحولات منطقه و تأثیر بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و... تحقیقات خود را معطوف نمایند.

منابع و مأخذ:

الف) منابع داخلی:

۱. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. خامنه ای، سید علی، دیدار نیروهای سپاه و بسیج لشکر پنج نصر، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰
۳. آقابخش، علی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۴. احمدیان، بهرام، (۱۳۸۰)، ایران و دریای خزر در چشم انداز ژئوپلیتیک، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
۵. بهزادی، حمید (۱۳۶۹)، اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا.
۶. تهامی، سید مجتبی، (۱۳۹۰)، امیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران، نشر آجا
۷. جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۸. جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات آوای نور.
۹. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۰.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). ژئوپلیتیک، علم یا گفتمان: یک تردید فلسفی، مجموعه مقالات، تهران، مرکز مطالعات آفریقا.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۳. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). «ژئوپلیتیک، یک بررسی فلسفی». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۱،

۱۴. خلیلی، رضا (۱۳۸۴) تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، مجموعه مقالات استراتژی امنیت ملی در ج.ا.ا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. روشندل، جلیل. (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظامی بین‌المللی، تهران، سمت.
۱۶. سارلی، اراز محمد. (۱۳۷۳). ترکمنستان در تاریخ، تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۷. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۷۳). ژئواستراتژی، تهران: سمت.
۱۸. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۷۳). ژئواستراتژی، تهران: سمت.
۱۹. لورو، پاسکال و توال. فرانسوا. (۱۳۸۱). کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه، حسن صدوق و نینی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۷۷). جغرافیا و سیاست در فرآیندی نوین، نگاهی به برخی مفاهیم در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۴۲.
۲۱. مک کین لای، رابرت، لتیل، ریچارد. (۱۳۸۰). امنیت جهانی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، راهبرد.
۲۲. میرحیدر، دره. (۱۳۷۷). ژئوپلیتیک، ارائه تعریفی جدید، مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۱۳. شماره ۴.
۲۳. میرحیدر، دره. (۱۳۸۴). سیری در تحولات ژئوپلیتیک، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۲۴. هیل، لسل، (۱۳۷۰)، تجدید حیات ژئوپلیتیک، ترجمه، دره میرحیدر، تهران: ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۴۷-۴۸.

ب) منابع خارجی:

- 1-Cohen, Sual B. (1994). Geopolitics in new world era. Chapter 2 from recording Theworld, Edited by: George J. Demko & William B. Wood. Usa: West view Press.
- 2-Glassner, Martin Ira. (1993) Political Geography. New York: John Wiley & Sons, Inc
- 3-Tuothail, Gearroi (1996). Critical Geopolitics (The Politics of writing

- Globspace) London: Routledge.
- 4-Rennie Short, Jhon (1994). An Introduction to political Geography. London and New York: Routledge.
- 5-Taylor, Peter. J. (1994). Political Geography. England: Longman Scientific and Technical